

روایت وزیر مختار فرانسه از سوء قصد به جان مدرس

۳ خرداد ۱۳۹۴ ساعت ۱۶:۰۶

روز ۳۰ اکتبر ۱۹۲۶ (هفتم آبان ۱۳۰۵) به سید حسن مدرس نماینده مجلس شورای ملی در تهران سوء قصد شد ولی از آن جان سالم به در برد. خودش شرح واقعه را این گونه بیان کرده است :

«... جنب مدرسه سپهسالار اول طلوع آفتاب که جهت تدریس به مدرسه می رفتم ، در همین ایام تقریباً ده نفر مرا احاطه کردند. فی الحقیقه مرا تیرباران کردند. از تیرهای زیاد که انداختند ، چهار عدد کاری شد. سه عدد به دست چپ ، مقارن پهلوی ، جنب همدیگر ، زیر مرفق ، و بالای مرفق و زیر شانه . حقیقتاً تیرانداز قابلی بودند. در هدفگیری قلب ، خطا نکردند. ولی مشیت الله سبب را بی اثر نمود. یک عدد هم به مرفق دست راست خورد - ولا حول و لا قوه الا بالله العظیم...»

ضاربین پیدا نشدند و خود مرحوم مدرس هم در باره اینکه چه کسانی ممکن است قصد کشتن او را کرده باشند سخنی نگفت ولی در جواب تلگرافی که رضاشاه مبنی بر اظهار تاسف از این واقعه و احوالپرسی از او کرده بود ضمن تشکر این جمله را هم افزود : «به کوری چشم دشمنان مدرس نمرده است.»

وزیر مختار فرانسه در ایران یک هفته پس از واقعه ، گزارشی برای وزارت امور خارجه فرانسه فرستاد که متن آن را ملاحظه می فرمایید . در این گزارش سوء قصد به دربار نسبت داده شده است . مخبرالسلطنه هدایت نیز نوشته است «... در کوچه سرداری مدرس حمله واقع شده زخمی به او وارد می آید . در این حال امام جمعه خویی می رسد ، مردم جمع می شوند ، پاسبانان او را به نظمی می برند و از آنجا به مریضخانه دولتی . از خطر جان به در برد و از میدان به در نرفت . حکایاتی از سوء قصد به مدرس توسط پهلوی شایع است ...»

سفارت فرانسه در تهران واقعه سوء قصد به جان مدرس را یک هفته بعد از وقوع اینطور گزارش داده است :

تهران ، ۵ نوامبر ۱۹۲۶ ، شماره ۱۱۶

آخوندی که من نام او را در گزارش شماره ۷ تاریخ ۱۳ ژوئن برده ام ، حسن مدرس مورد توجه بازاریان تهران و یکی از نمایندگان پرنفوذ مجلس مورد سوء قصد قرار گرفت . در خیابان با هفت تیر به او حمله کردند ولی قرآنی که همراه داشت توانست به شکل معجزه آسایی او را از آسیب چهار گلوله نجات دهد . فقط دستش جراحت پیدا کرد . سوء قصد کنندگان ناپدید شدند . فقط مستخدمی مقابل درب منزلی که مدرس برابر آن مورد حمله قرار گرفت ایستاده بود که بازداشت شد . بدون تردید اگر در این ماجرا قربانی لازم باشد او را اعدام خواهند کرد . ولی هیچ چیز ، درست یا نادرست ، مردم را از این اندیشه که باید مسئول واقعی حادثه را در کاخ جستجو نمود باز نخواهد داشت . مدرس در عین حال که قهرمان گروه ملاحاست یکی از مدافعین چشمگیر آزادی پارلمانی محسوب می شود . او به نام قرآن و قانون اساسی هر لحظه قادر است مردم کوچه و بازار را به طغیان وادارد . بنابر این برای شاهی که در سر هوای زورگویی دارد چه وسوسه ای است تا این حریف خطرناک و پر قدرت را از سر راه خویش بردارد . مخالفت

مدرس با صعود رضاخان و نشستن بر تخت پادشاهی موجب این همه شهرت و قدرت امروزی وی گردید . شاه چنین وانمود می کرد که لجبازی ها و مخالفت های مدرس را از یاد برده و از او کینه ای به دل ندارد . حتی هنگامی که وی در انتخابات موفق گردید باز شاه با سکوت برگزار نمود و تسلیم شد و او را به مشورت دعوت کرد و کابینه فعلی را با نظر او تشکیل داد . اما برای مردم کوچه و بازار تهران مشکل است به خود بقبولانند که افسر جزء پیشین که از ۴۰ سال پیش عادت کرده زیر دستانش را چوب بزند حالا می تواند پادشاهی باشد که به قانون اساسی احترام بگذارد و در ایفای نقش خویش صمیم و راستگو باشد . کردار و رفتار شاه در نظر من و همقطارانم واقعاً اسرارآمیز باقی مانده است . من در این نقطه نظر با مردم هم عقیده هستم . بریگاد قزاق که رضاشاه در آن تربیت شده مدرسه ای نیست که وی در آنجا احترام به مقررات پارلمانی را آموخته باشد . وانگهی منازعات میان مجلس و شاه درد کهنه و بیماری مزمنی است که از بدو پیدایی پارلمان در ایران وجود داشته است.

آدرس مطلب :

<https://www.cafetari.kh.com/news/۲۲۷۲۲/مدرس-جان-قصد-سوء-فرانس-مختار-وزیر-روایت>